

Original Article

Analytical Historical Study of the Duties of the Islamic Government in the Field of Worship

Soghra Azizi¹, Hadi Azimi Garekani^{2*}, Seyyed Ali Pourmanoochehri³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: garekani1339@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 17 Aug 2020 Accepted: 24 Dec 2020

Abstract:

Background and Aim: Examining the Limits and Limits of the Islamic Government in Various Issues as Well as Its Duties Towards Worship is one of the Most Controversial Issues for Muslims. This Means That Some, by Limiting the Role of the Islamic Government, Want to Consider Worship as Private, and Some, With the Maximum Regard for the Duties of the Islamic Government, Want the Islamic Government to Play a Role in Worship. For This Reason, the Purpose of the Present Study is to Investigate the Historical-Analytical Duties of the Islamic Government Regarding Worship.

Materials and Methods: The Method Used in the Present Study is Descriptive-Analytical, Which According to the Approach of the Article, Uses Historical Sources That are Considered as a Historical-Analytical Approach.

Findings: The Islamic Government Has Been Established on the Basis of the Law Derived From Shari'a, and for this Reason, it Has Significant Powers and Duties in the Field of People Performing acts of Worship or Leaving Them to Perform Acts of Worship. For this Reason, Doing Things That Cause the Worldly and Otherworldly Happiness of the Members of Society or Leaving Them Causes Corruption and Threatens the Islamic Society, is one of the Duties of the Islamic Government in the Field of Worship. Therefore, Worships Whose Abandonment Promotes Corruption and the Spread of Denial Require the Intervention of the Islamic Government.

Conclusion: Islamic Rules are Most Concerned With Social Activities. Accordingly, Acts of Worship Whose Abandonment Causes Corruption and Threatens the Common Good Require the Intervention of the Islamic Government. Therefore, the Islamic Government Should Inform in the First Step and Reprimand, Punish and Punish in the Next Steps, and if it is Against the Interest of the Islamic Government if Muslims Abandon Worship and Abandonment of Duty, Then the Islamic Government Should Deal More Severely and Sharply to Protect the Interests of the System.

Keywords: Islamic Government; Worship; Home Works; Historical-Analytical

Please cite this article as: Azizi S, Azimi Garekani H, Pourmanoochehri S A. Analytical Historical Study of the Duties of the Islamic Government in the Field of Worship. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 299-310.

بررسی تاریخی تحلیلی تکالیف حکومت اسلامی در حوزه عبادات

صغری عزیزی^۱، هادی عظیمی گرکانی^{۲*}، سید علی پورمنوچهری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: garekani1339@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

چکیده

زمینه و هدف: بررسی حدود و ثغور حکومت اسلامی در مسائل مختلف و همچنین تکالیف آن در قبال عبادات از جمله مسائل مجادله برانگیز در نزد مسلمانان است. بدین معنا که برخی با محدود کردن نقش حکومت اسلامی، خواستار خصوصی تلقی کردن عبادات هستند و برخی با تلقی حداکثری از تکالیف حکومت اسلامی، خواستار نقش آفرینی حکومت اسلامی در قبال عبادات هستند. به همین دلیل، هدف پژوهش حاضر، بررسی تاریخی - تحلیلی تکالیف حکومت اسلامی در قبال عبادات است.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که با توجه به رویکرد مقاله، از منابع تاریخی بهره می‌برد که به عنوان رویکرد تاریخی - تحلیلی در نظر گرفته می‌شود.

یافته‌ها: حکومت اسلامی بر مبنای قانون منبعث از شریعت برپا شده است و به همین دلیل واجد اختیارات و تکالیف قابل توجهی در زمینه عمل کردن مردم به عبادات و یا ترک آنان نسبت به انجام عبادات است. به همین منظور انجام اموری که باعث سعادت دنیوی و اخروی آحاد جامعه می‌شوند و یا اینکه ترک آنان باعث ایجاد مفسده و تهدید جامعه اسلامی می‌شود، از جمله تکالیف حکومت اسلامی در حیطه عبادات است. بنابراین عباداتی که ترک آنان باعث ترویج فساد و اشاعه منکرات می‌شود، نیازمند مداخله حکومت اسلامی هستند.

نتیجه‌گیری: احکام اسلامی بیش از همه ناظر بر فعالیت‌های اجتماعی است. بر همین اساس، عباداتی که ترک آنان باعث ایجاد فساد و تهدید مصالح جمعی می‌شود، نیازمند دخالت حکومت اسلامی است. بنابراین حکومت اسلامی در اولین گام می‌بایست آگاهی بدهد و در مراحل بعدی توبیخ و تنبیه و مجازات کند و اگر چنانچه ترک عبادت و ترک وظیفه توسط مسلمانان، برخلاف مصلحت حکومت اسلامی باشد، یقیناً حکومت اسلامی باید شدیدتر و حادثر برخورد کند به دلیل حفظ مصلحت نظام.

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی؛ عبادات؛ تکالیف؛ تاریخی - تحلیلی

مقدمه

حکومت اسلامی همانند سایر نظام‌های سیاسی دارای وظایف و تکالیفی برای حوزه‌های فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف است. از این جهت، نظام اسلامی مکلف است از اجرای حدود الهی غفلت نکند. عبادات و تکالیف دو نوع هستند زمانی تکلیف عبادت هست یعنی رابطه اختصاصی بنده با خداست که عبادت فردی می‌نامند مانند نماز خواندن یک شخص در منزل که حکومت هیچ تکلیفی در خواندن، یا نخواندن ندارد فقط تکلیف حاکمیت، بسترسازی، آگاهی و ارشاد می‌باشد، ولی یک مرتبه همین تکلیف جنبه اجتماعی پیدا می‌کند و از جنبه فردی و اختصاصی خارج می‌شود، مانند نماز خواندن یک مسؤول در یک اداره یا مدیر یک مؤسسه که در این مورد حکومت اسلامی تکلیف و وظیفه دارد دخالت کند. بعضی از عبادات به صورتی است که تحقق آن بدون وجود حکومت اسلامی اصولاً تصور ندارد و رابطه حداکثری با حکومت دارند مانند دفاع از امنیت کشور همچنین احکامی که در مراحل ابتدایی از وظایف و تکالیف مسلمانان هست و از قلمرو اختیارات حکومت خارج ولی در مراحل بعدی نیازمند دخالت حکومت است تا به نحو جامع و کامل محقق گردد. مانند امر به معروف و نهی از منکر که نیاز به اقدام عملی دارد مانند بستن مراکز فساد، دستگیری فاسدان، همچنین در پاره‌ای از موارد حکومت نقش نظارتی و حمایتی و در واقع نقش حکومت شرط کمال آن عبادت است مانند نماز و روزه که بستر انجام عبادات را فراهم سازد و با تارکین عبادات و کسانی که ترویج بی‌دینی و بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری است دخالت کند و حتی انجام آنها را با توسل به قوه قهریه مطالبه کند، البته تا جایی که به مصلحت نظام آسیبی نرساند و نیز مفسدهای در بر نداشته باشد، هرچند عبادت خضوع و تواضع و رابطه اختصاصی بنده با خداوند است به طوری که او را با قصد تقرب می‌ستاید و در مقابل او کرنش و تواضع می‌کند. اما عبادت مفهوم عام‌تری هم دارد و تنها نمی‌توان آن را محدود به واجبات تعبدی دانست که در اصول تعریف شده، بلکه به معنای عام، حجاب عبادت است، زکات عبادت است.

با توجه به گستره موضوع عبادات در جامعه اسلامی، پژوهش حاضر به این موضوع می‌پردازد که از نظر تاریخی و تحلیلی، تکالیف حکومت اسلامی در قبال عبادات چیست؟ به عبارتی دیگر، با فرض پذیرش عبادت در جامعه اسلامی، وظایف حکومت اسلامی در قبال انجام دادن یا ندادن مسلمانان تا چه اندازه می‌تواند تابع اختیار افراد و تا چه اندازه می‌تواند با قدرت آمره حکومت اسلامی صورت گیرد و منشأ این اجبار چیست؟

پیشینه تحقیق

در خصوص تکالیف حکومت اسلامی در مورد عبادات مقالاتی وجود دارد که هر کدام با نگرش متفاوت به تکالیف حکومت در مورد عبادات پرداخته است. مقاله اول: نجفعلی غلامی (۱۳۹۵) با عنوان بررسی فقهی وظایف حکومت اسلامی درباره عبادات که نگارنده این مقاله با نگرش فقهی به وظایف حکومت اسلامی اشاره کرده است. مقاله دوم: ابولقاسم فاتحی و محمدجواد ابولقاسمی (۱۳۸۸) با عنوان درآمدی بر وظایف دولت دینی در برابر دین و اعتقادات مردم است که به تکالیف دولت دینی در مورد عبادات پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در مورد وظایف دولت دینی در برابر دین و اعتقادات مردم ذیل مبحث «دین و دولت» مطرح شده است. و کتاب‌هایی نیز نزدیک به این موضوع وجود دارد. عمید زنجانی (۱۳۷۷)، در کتاب فقه سیاسی به تشریح وظایف دولت اسلامی در قبال انجام احکام و مخصوصاً جنبه‌های سیاسی و اجتماعی دین اسلام می‌پردازد. محمد سروش (۱۳۷۷) نیز در کتاب دین و دولت در اندیشه اسلامی به نسبت دین و دولت در اسلام می‌پردازد و بر پیوستگی این دو مقوله تأکید می‌کند. بنابراین در جامعه اسلامی، دولت نیز وظایفی دارد که می‌تواند با روش‌های مختلف دنبال شود و مردم را نسبت به آنان ترغیب نماید.

با عنایت به تحقیقاتی که در بالا ذکرشان آمد، پژوهش حاضر به دنبال هدف جدیدی است که بتواند از نظر تاریخی، تحلیلی نسبت به وظایف حکومت اسلامی در حوزه عبادات ارائه دهد. با توجه به تأسیس نظام اسلامی ایران، توجه به

مبانی نظری تحقیق: اهمیت عبادت در اسلام

عبادت هدف اصلی دین اسلام و حتی سایر ادیان الهی به شمار می‌رود. در اهمیت عبادت همین بس که آفرینش هستی و بعثت پیامبران برای عبادت است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ و من جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند (۳). در تفسیر آیه ذکر شده، علامه طباطبائی می‌فرماید:

«خدای تعالی انسان را آفرید تا پاداش دهد و معلوم است که ثواب و پاداش عاید انسان می‌شود و این انسان است که از آن پاداش و منتفع و بهره‌مند می‌گردد نه خود خدا، زیرا خدای عزوجل بی‌نیاز از آن است. اما غرضش از ثواب دادن خود ذات متعالیش می‌باشد، انسان را بدین جهت خلق کرد تا پاداش دهد و بدین جهت پاداش دهد که الله است. پس پاداش کمالی است برای فعل خدا نه برای فاعل فعل که خود خدا است. پس عبادت غرض از خلقت انسان است و کمالی است که عاید انسان می‌شود. هم عبادت غرض است و هم توابع آن، که رحمت و مغفرت و غیره باشد، اگر برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار باشد معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می‌شود در حقیقت غرض اقصی و بالاترین و عبادت غرض متوسط است (۵). کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان نیز دعوت مردم به پرستش خداوند بوده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا كُلَّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

الطَّاغُوتَ» «و به تحقیق در هر امتی رسولی را مبعوث کردیم تا اینکه خدا را عبادت کنند و از طاغوت دوری کنند» (۳). بنابراین عبادت کردن هدف خلقت انسان بوده است و به همین دلیل بررسی سیره پیامبران الهی نشان‌دهنده آن است که عبادت شاکله هر دینی و مذهبی بوده است و هیچ پیامبری، خداپرستی و عبادت را از یکدیگر جدا نکرده بود.

با توجه به اهمیت عبادت، دین اسلام، آن را سرلوحه تعالیم سعادت‌بخش خود قرار داده است و حتی عبادات را در متن زندگی فردی و اجتماعی افراد وارد کرده است که بدون ارتباط با یکدیگر معنایی برای عبادت متصور نبود. به عبارتی دیگر، عبادت در دین اسلام با زندگی مردم عجین شده است و

انجام عبادات و ضرورت رعایت آنان توسط مردم، وظایفی نیز برای حکومت اسلامی متصور است که از روش‌های اقتناعی، مجازات و ترغیب برای انجام عبادات بهره ببرد. با این استدلال که بسیاری از مصادیق عبادات به دلیل ترک آن توسط مسلمانان ناهنجاری‌هایی را به دنبال داشته که وظیفه نظام جمهوری اسلامی ایران در این مورد تبیین و تشریح می‌کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

عباداتی که در جامعه، مسلمانان التفاتی به آن ندارند و انجام نمی‌دهند براساس احکام شرعی، حکومت اسلامی در مقابل این ترک عبادات تکلیف و وظیفه دارد، بستر انجام عبادات را فراهم کند و با تارکین عبادات و کسانی که ترویج بدبینی و سهل‌انگاری می‌کنند برخورد نشان دهد به گونه‌ای که رابطه انسان با خداوند در جامعه محفوظ بماند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. با این توضیح که از طریق فیش‌برداری از منابع و کتاب‌های فقهی و حقوقی و حدیثی، دکترین حقوقی، مقالات حقوقی استفاده شده است و همچنین از سایت‌های معتبر کافی جهت دسترسی به مقالات مربوط با موضوع نیز استفاده گردیده است.

اصطلاحات

عبادت

عبادت را به پرستش (۱). اطاعت و پیروی خاضعانه و خاشعانه و در مورادی به نهایت خضوع و فروتنی معنا کرده‌اند (۲). عبادات به این معنا حالتی در وجود انسان است که خود را نیازمند (۳). و در اختیار حقیقتی که او را آفریده است ببیند (۴). علامه طباطبائی حقیقت عبادت را این می‌داند که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار داده و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشد و او را ذکر گوید (۵). میل به خدمت و تقدیس موجودی برتر که مستحق این خدمت و تقدیس باشد نیز به عنوان حقیقت عبادت بیان شده است (۶).

عبادت نکردن دائمی شیطان و دوری جستن از آن است. خداوند متعال با فرزندان آدم عهد بسته که وسواس‌های شیطانی را نادیده بگیرند و او را پرستش نکنند. این عهد دائمی و ابدی است و نپرستیدن شیطان و در مقابل پرستش خداوند، نقطه اساسی آن محسوب می‌شود. این عهد حتی در کلام و رفتار انبیاء و رسولان نیز به بشر ابلاغ شده است و حتی انسان تهدید شده است که از شیطان پیروی نکند (۵).

۲. عبادت راز آفرینش: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». «و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» (۳). این آیه بیان می‌کند که خلقت انسان دارای هدف است و حتی علت اصلی خلقت انسان پرستش خداوند بوده است. این آیه بیانگر اهمیت عبادت است که حتی به عنوان علت خلقت انسانی نیز ذکر شده است و اینکه انسان می‌بایست خداوند را عبادت کند تا رحمت الهی شامل حال وی شود.

۳. عبادت صراط مستقیم الهی است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». «در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید (که) راه راست این است (۳). «إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» «و در حقیقت خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید این است راه راست». «وَأَنْ عِبْدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». «و اینکه مرا بپرستید این است راه راست!» (۳). مقصود از صراط مستقیم همان مسیری است که انسان را به سوی قرب الهی و رسیدن به معبود حقیقی یعنی خداوند می‌رساند و در این مسیر اطاعت از غیر خدا امری باطل است و بیان «أَنْ» و حصر در «هُوَ» نشانگر پرستش خداوند متعال و دوری جستن از غیر خداوند است.

۴. عبادت ماموریت انسان «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ». «و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین (خود) را برای او خالص گردانند...» (۳). یا در آیه دیگری بیان می‌شود: «أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ». «دستور داده که جز او را نپرستید. این

بخش‌های مختلف عبادات با بخش‌های مختلف زندگی انسان‌ها در ارتباط است. به فرموده پروردگار و اهل بیت: عبادت صحیح و سالم عبادتی است که دارای آثار مثبت دنیا و آخرت باشد و آن ترکیبی از پنج حقیقت است. این پنج حقیقت وقتی کنار یکدیگر قرار گرفته شوند همان عبادتی می‌شوند که پروردگار مهربان عالم از بندگان خود خواسته و آثار مثبت دنیا و آخرت آن عبادت یقیناً ظهور پیدا می‌کند. حقیقت اول: عرفان، معرفت و شناخت می‌باشد. دوم حالت تسلیم است. حقیقت سوم و چهارم نیت خالص و پنجم هم عمل است. عمل آن شکل و صورت عبادت است که بنای آن بدن انسان است یعنی در یک عبادت هم اندیشه و خرد در کار است و هم حالت بی‌نظیر قلبی که تسلیم است و هم حالت ظاهری و باطنی که تواضع و نیت خالص می‌باشد.

جایگاه عبادت در قرآن

عبادت نقطه اوج کمال انسانی و بیش از همه سپاس‌گذاری از خداوندی است که نعمات بی‌کران خود را نصیب انسان‌ها نموده است. عبادت خداوند ورای هرگونه عبادتی است و هنگامی که از کمال مطلق سخن به میان آورده می‌شود، مقصود همان قرب انسان به خداوند است که بیش از همه در عبادات متجلی می‌شود. بنابراین پرستش خداوند نمونه بارز تمایز انسان خداپرست از غیر خداپرست است. عبادت راه و مسیری است که انسان را مقام پستی و ذلت به مقام عزت و سربلندی می‌رساند و حتی بالاتر از فرشتگان می‌نشانند. بنابراین از حیث سعادت فردی و اجتماعی و هم از حیث برطرف ساختن نیازهای روحی، عبادت نقطه‌ای کلیدی در دین اسلام است. آیات و روایات متعددی در اهمیت عبادت بیان شده است که نشانگر جایگاه خاص آن در دین اسلام است.

۱. عبادت پیمان الهی: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ». «ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست» (۳). در این آیه مشاهده می‌شود که کلمه عهد هم‌معنا با «وصیت» و سفارش است که در واقع به معنای

از آن خداست». از منظر قرآن یکی از اهداف اساسی تشکیل حکومت ایجاد زمینه مناسب برای عبادت خداوند است.

یافته‌های تحقیق

جایگاه حکومت اسلامی در حوزه عبادت
حکومت اسلامی دارای جایگاه قابل توجهی در حوزه‌های مختلف است که از این جهت می‌توان از نقش حکومت اسلامی در امور مختلف عبادی سخن به میان آورد که دارای ابعاد آموزشی، اجرایی و حمایتی نیز می‌شود. در اینجا به برخی از مهم‌ترین وظایف حکومت در حیطه عبادت پرداخته می‌شود:
الف) تکالیف حکومت اسلامی در حیطه آموزش: پرداختن به مسأله آموزش در برابر عبادت یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی است. آیات و روایات متعددی در این زمینه بیان شده است که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود:

تعلیم و آموزش دادن به مردم و آشنا ساختن آنان با حکمت خداوندی از تکالیف مهم حکومت اسلامی است که در مقام امام جامعه نیز شناخته می‌شود. به عنوان مثال هنگامی حضرت ابراهیم از خداوند طلب مغفرت و برکت می‌کند، خواهان تعلیم حکمت به مردم می‌شود و می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». بنابراین در این آیه شریفه، حضرت ابراهیم به دنبال آن است تا خداوند با فرستادن رسول، آیات حکمت و کتاب را به مردم بیاموزد که بتوانند نسبت به امور مختلف شناخت و آگاهی داشته باشند. پرواضح است که در این آیه شریفه، یکی از مهم‌ترین وظایف رسول خدا (ص) که در مقام حاکم جامعه نیز شناخته می‌شود، تعلیم و آگاهی بخشی به مؤمنان است که در قالب کلی آموزش نیز بیان می‌شود.

در راستای اهمیت تکالیف حکومت اسلامی در قبال آموزش، روایتی از امام علی (ع) ذکر شده است که در ایشان در نام‌های به قثم بن عباس، حاکم خود در مکه می‌نویسد: «اجلس لهم العصرين فأت المستفتي و علم الجاهل و ذاكر العالم، برنامه شبانه‌روزی خود را طوری تنظیم کن که صبح و عصر با مردم جلسه داشته باشی و به پرسش‌های آنان پاسخ دهی و

است دین درست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. براساس این آیات خداوند به انسان امر فرموده که جز او را نپرستید».

۵. دعوت نخست همه پیامبران عبادت خداوند بوده است. در آیه شریفه چنین بیان شده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ». «و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم پس به آنان گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست، مگر پروا ندارید؟» با بررسی آیات الهی مشخص می‌شود که عبادت دارای دو هدف اساسی در دین اسلام هستند. در وجه سلبی، ممانعت و جلوگیری از پرستش غیر خداوندی است که تحت عنوان تعبیر مختلفی از جمله شیطان بیان شده است. در وجه ایجابی نیز عبادت تنها منحصر و مختص خداوندی است و انسان تنها باید او را ستایش کند تا رحم واسعه الهی شامل حال انسانی شود. به همین دلیل، هدف از بعثت انبیاء، یادآوری به انسان از جهت دارا بودن فطرت پاک و حرکت در مسیر سعادت است که تنها با پرستش خداوند حاصل می‌شود. همچنان که در این باره یادآور می‌شود: «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ». در همین راستا نیز حضرت نوح، هود، صالح، شعیب، لوط و هر پیامبری که به سوی قوم خود برانگیخته شد، هدفش از دعوت همین بود و این دعوت راستین را میان مردم خود اعلام می‌کرد (۷).

۶. هجرت از وطن به خاطر عبادت خدا «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ». «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است تنها مرا بپرستید. از دیدگاه قرآن عبادت خداوند به قدری اهمیت دارد که می‌فرماید: «اگر در وطن شرایط لازم برای عبادت خداوند فراهم نبوده برای یافتن مکانی مناسب برای عبادت و پیروی خداوند از سرزمین خود هجرت کنید».

۷. عبادت خدا و حکومت: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها

۳. نماز جمعه: امام جمعه به عنوان یک از مظاهر اصلی نماز جماعت شناخته می‌شود که امری عبادی - سیاسی است. به همین دلیل یا خود حاکم اسلامی برای این امر مهم گماشته می‌شود و یا اینکه شخصی از سوی وی برای انجام این مهم معرفی و شناسانده می‌شود. در همین راستا، از امام رضا (ع) نقل شده است که می‌فرماید: «در جمعه خطبه قرار داده شده، زیرا نماز جمعه، اجتماعی عمومی است که حاکم اسلامی بدین وسیله مردم را موعظه می‌کند و آنان را از مصالح دینی و دنیوی‌شان آگاه می‌سازد و از حوادث دنیا باخبرشان می‌نماید (۹).

۴. رویت هلال و صلاة عیدین: اجرای عبادات از سوی حکومت اسلامی دارای ابعاد متعددی است. به همین دلیل، انجام این عبادات و اجرایی کردن آنان از سوی حکومت باعث وحدت و انسجام بیشتر جامعه اسلامی می‌شود. بنابراین امور عبادی در اسلام باید به گونه‌ای باشد که بتواند میان بخش‌های مختلف جامعه و میان مردم وحدت و هماهنگی ایجاد نماید و مانع از تفرقه میان آنان شود. به همین دلیل حضور حاکم اسلامی و به تبع آن بر عهده گرفتن انجام برخی فرایض یکی از وظایف حکومت اسلامی است که آثار و تبعات مثبت آن نصیب اعضای جامعه می‌شود. این امر نشان‌دهنده پیش‌قراولی حاکم اسلامی در امور اجتماعی و عبادی است که به تبع آن مردم نیز بر همین طریق به سوی امور عبادی سوق داده می‌شود. همچنان که طوسی نیز معتقد است اثبات رؤیت هلال بر عهده رسول اکرم (ص) بوده است (۱۰). و همچنین مردم نیز همراه رسول گرامی اسلام (ص) روزه می‌گرفتند و در پایان ماه رمضان نیز عبادات مخصوص را نزد ایشان فرا می‌گرفتند.

۵. حج: حج از جمله امور عبادی مسلمانان است که از گذشته تا به امروز وجه سیاسی و اجتماعی آن بسیار برجسته بوده است. حج نماد همبستگی و وحدت امت الهی است که هر ساله در قالب مناسک خاصی انجام می‌پذیرد. در این میان حکومت اسلامی نیز وظایف مهمی بر عهده دارد که تاریخ اسلام نیز گواه حضور پیامبر و ائمه در این مراسم بوده است. ضمن اینکه رتق و فتق امور مربوط به حج به خوبی

مردمی را که نمی‌دانند بیاموزی و به مردمی که می‌دانند یادآوری کنی» (۸). ، (نهج‌البلاغه، نامه ۶۷). این روایت نیز نشانگر اهمیت آموزش است که از دستورات حاکم اسلامی نشأت می‌گیرد و می‌بایست به عنوان یک دستورالعمل بدان عمل شود. این رویکرد تاریخی - تحلیلی به ما می‌گوید که دین اسلام از گذشته بر مدار سعادت دنیوی و اخروی مردم استوار است و امروزه نیز مسأله آموزش از جمله وظایف اساسی حکومت به شمار می‌رود. همچنین حضرت علی (ع) درباره حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی می‌فرماید: «فاما حاکم علی فالنصیحة لکم و توفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کی لا تجهلوا؛ حق شما بر حکومت و وظیفه حکومت در برابر شما این است که اولاً شما را نصیحت و خیرخواهی کند. ثانیاً حقوق مالی تان را به شما برساند. ثالثاً شما را آموزش و تعلیم دهد که جاهل نمایند» (۸)، بر این اساس، از نظر امام علی (ع) تعلیم و آموزش جزء وظایف اصلی حکومت محسوب می‌شود که نیازمند توجه دقیق حاکمان اسلامی است. جاهل نماندن مردم و پیدا کردن شناخت نسبت به معارف الهی از جمله اهداف آموزش در دین اسلام است.

ب) نقش اجرایی حکومت در عبادات: بررسی آیات و روایات نشان‌دهنده آن است که وظیفه حکومت اسلامی تنها به امر آموزش خلاصه نمی‌شود و برقراری عدالت و دخالت حکومت در این مسأله مهم یکی از وظایف حاکم اسلامی است. برخی آیات و روایات در این زمینه به موضوعات مهمی اشاره می‌کنند از جمله:

۱. نماز جماعت: سیره ائمه معصوم (ع) نشان می‌دهد که همکاری و انجام وظایفی از سوی حکومت که بتواند باعث تشکیل نماز جماعت میان مردم شود، از جمله وظایف آنان است، زیرا حضور حاکم اسلامی در نماز جماعت نشان‌دهنده اولی بودن وی برای در اختیار داشتن مقام امامت است (۹).

۲. تجهیز میت: حاکم اسلامی با عناوین مختلفی از جمله «امام»، «سلطان» و «والی» معرفی شده است که در صورت حضور در مراسم نماز میت، باعث به انجام رسیدن این فریضه الهی و حتی عبادت الهی در نظر گرفته شده است (۹).

نشان‌دهنده تکلیف حکومت اسلامی در جهت برطرف ساختن آنان است. امروزه نیز با الهام از تاریخ صدر اسلام است که هر سال در مراسم حج، شخص حاکم اسلامی یا نماینده او به عنوان «امیرالحاج» معرفی می‌شود و نماینده حکومت اسلامی در مراسم حج است تا از پراکندگی و تشتت در این مراسم بزرگ عبادی جلوگیری نماید. در مراسم حج افرادی را که در مقام الحاج معرفی می‌شدند، از ابتدای اسلام تا عصر خود ثبت کرده است (۱۱).

ج) تکالیف حمایتی حکومت در عبادات: عبادات به خودی خود قابل تحقق نیستند، بلکه مهیا کردن شرایط و فراهم آوردن بسترهای لازم در حیطة فردی و اجتماعی باعث انجام شدن هرچه بهتر و مؤثرتر آنان می‌شود. بنابراین عبادات نیز نیازمند حمایت‌های خاص خود هستند. به عنوان مثال، هنگامی که مسجد و یا مکانی برای اعتکاف در نظر گرفته می‌شود و امکانات لازم برای انجام این عبادت فراهم می‌شود، می‌توان از تکلیف حمایتی دولت در این زمینه سخن گفت. از آنجایی که مصارف بیت‌الممل و نحوه هزینه آنان در امور مختلف بر عهده حاکم اسلامی است، بنابراین یکی از امور مهمی که می‌تواند با حمایت حکومت اسلامی انجام شود، عبادات است. در همین راستا از شیخ طوسی نقل شده است که می‌فرمایند: «مستحب است مؤذن برای ثواب اذان بگوید و اگر نیازمند است از بیت‌المال او را تأمین کنند: «جاز ان یاخذه المؤذن من بیت المال من مال المصالح لانه منها فقد یحتاج المسلمون الیه و یجوز ان یعطیه الامام من خاصة» (۱۲). مشابه همین روایت نیز ابن ادریس حلی نقل شده است که ایشان نیز می‌نویسد: «اخذ الأجره علی الاذان محظور، لا بأس يأخذ الرزق علیه من سلطان الاسلام و نوابه» (۱۳). بنابراین در مسأله عبادت، حکومت اسلامی می‌تواند نقش حامی داشته باشد و از جهات مالی، مادی و معنوی پشتیبانی‌های برای مجریان عبادات باشد. به عنوان مثال در نظر گرفتن هزینه‌های کسانی که مساجد را برای انجام امور عبادی مهیا می‌سازند، از جمله مواردی است که از طرف حکومت اسلامی می‌تواند صورت پذیرد. ورود و دخالت حکومت از آن جهت است که سستی و

بر توجهی حکومت ممکن است باعث تعطیلی احکام دینی گردد و این امر در نهایت به تضعیف احکام اسلامی و در نهایت کاسته شدن از عباداتی می‌شود که هدف آنان به سعادت رساندن مردم است. بنابراین حاکم اسلامی از این اختیار برخوردار است که بتواند جلوی تعطیلی احکام را بگیرد و باعث عزت و عظمت جامعه اسلامی گردد. در این زمینه می‌توان به امور مختلفی از جمله حج، نماز جماعت، روزه و ... اشاره کرد که اگر حمایت‌های حکومت اسلامی در آن نباشد، نمی‌توانند به درستی تحقق یابند. در این زمینه از امام صادق (ع) روایت شده است که می‌فرمایند: «لو عطل الناس الحج، لوجب علی الامام ان یجبرهم علی الحج» (۱۴). بنابراین وظیفه حکومت اسلامی و حاکم حتی اجبار مردم بر حج است تا احکام اسلامی تعطیل نشوند. حمایت حکومت از اماکن عبادی، ساخت مساجد و اماکن مذهبی و تشویق مردم به حضور در این مکان‌ها و اختصاص هزینه برای این اماکن از جمله تدابیری است که حکومت اسلامی برای انجام عبادات می‌تواند انجام دهد.

د) نقش نظارتی حکومت در عبادات: وظایف حکومت اسلامی در حیطة نظارتی نیز بر امور عبادی جامعه اثرگذار است. بدین‌معنا که حاکم اسلامی که در منصب ریاست عامه در امور دین و دنیای مردم انجام وظیفه میکند، می‌بایست نظارت بر عبادات را از جمله وظایف خود بداند و با در نظر گرفتن تصمیمات مناسب، زمینه‌ها را برای نظارت بر بخش‌های مختلف جامعه برای انجام امور عبادی فراهم آورد. به‌کارگیری افراد مؤمن و متناسب با امور عبادی، توجه به عباداتی که جنبه اجتماعی دارند و نظارت بر عملکرد مسؤولان مرتبط از جمله سیاست‌هایی است که باعث می‌شود تا نظارت حکومت بر عبادات به نحو مطلوبی به پیش برود. علاوه بر این، سیاست‌های حکومت اسلامی می‌بایست به گونه‌ای باشد که بتواند با متخلفان و کسانی که مانع از اجرای احکام عبادی می‌شود، برخورد نماید و موانع پیشروی را از ساحت جامعه بردارد. تجارب تاریخی صدر اسلام و رفتار رسول گرامی اسلام (ص) نشان‌دهنده همین نظارت است. به عنوان مثال می‌توان رفتار رسول اکرم (ص) را برجسته نمود که با کسانی که با اغراض سیاسی خاص، باعث اختلال در نماز جماعت مسلمانان

می‌شدند، برخوردهای قاطعانه‌ای اتخاذ می‌کردند. همچنان که روایت است آنان که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) در نماز جماعت شرکت نمی‌جستند و حضرت آنان را به آتش زدن خانه‌هایشان تهدید کرد (۱۴). بنابراین آنچه از این روایات تاریخی مستفاد می‌شود این است که ضربه زدن به هیبت و اقتدار نظام اسلامی از طریق بی‌توجهی و تخریب عبادات و مکان‌های عبادی می‌تواند از طریق نظارت حکومت اسلامی جبران شود و یا مانع از پدید آمدن چنین اتفاقات ناگواری شود. نمونه این موارد می‌تواند برخورد با روزه‌خواری در ملاء عام باشد که خود نظارت بر حسن اجرای عبادات و فراهم کردن شرایط برای کسانی است که عبادات را به جا می‌آورند. برخورد با کسانی که اوامر به معروف و ناهیان از منکر را با اغراض خاص تهدید می‌کنند، نیز می‌تواند در زمره نظارت‌های حکومت اسلامی در نظر گرفته شود.

اعمال حکومت در امور عبادی

حکومت بر مبنای قانون، افراد جامعه را به عمل یا ترک عمل الزام می‌کند. وقتی حکومت فرد را محکوم به مجازات می‌کند به دلیل عمل اوست نه عقیده و نظر او بر این اساس، گرچه در ساحت نظر برای حکومت هم عقیده بودن افراد جامعه مهم است و حکومت‌ها در جامعه هم‌سو بهتر می‌توانند فعالیت کنند، لیکن در ساحت عمل، هم عقیده بودن اهمیت ندارد و نباید هم داشته باشد. چه بسا، عمل مجرمانه از فرد معتقدی سرزده باشد، ولی حکومت باید بر طبق قانون شرع و عرف عمل نماید. کارگزار حکومت به هنگام انجام وظیفه، عقیده و گرایش افراد را نادیده می‌گیرد، حکومت بر حق این چنین است. چنانچه که رهبران راستین در حکومت اسلامی چنین عمل کرده‌اند و قرآن کریم خطاب به مسلمانان در اجرای حکم زن و مرد زناکار تأکید بر سخت‌گیری و عدم رأفت و دلسوزی دارد و مسلمان و غیر مسلمان بودن در اجرای حکم دخالت ندارد. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ... (۳)». حضرت علی علیه‌السلام، به هنگام خلافت تمام زمین‌هایی را که عثمان به خویشان و نزدیکانش واگذار کرده بود به بیت‌المال مسلمانان

بازگرداند. همچنین در جای دیگری از تاریخ اسلام می‌خوانیم: «و سوگند یاد کرد که برای او هیچ اهمیت ندارد که این زمین‌ها در ملک چه کسانی قرار گرفته باشد تا چه رسد به اینکه آنها هم عقیده باشند یا نباشند» (۸).

برای حضرت وصی علیه‌السلام در مقام حاکم اسلامی، پذیرش تکالیف الهی از سوی مردم اولویت اول نیست. اولویت داشتن آنها هنگامی است که در مقام وعظ و تبلیغ قرار گیرد. در مقام حاکمیت باید در اجرای حق و عدالت سخت‌گیر بود. وابستگی و گرایش افراد جامعه با حاکم اسلامی را نباید در نظر داشت. از این‌رو امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ای دیگر تأکید دارد که «شکم باطل را می‌شکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید» (۸).

بنابراین، هنگامی که حاکم و کارگزار حکومتی به وظیفه خود عمل می‌کند، حتی اگر این عمل مستلزم الزام فرد یا جامعه باشد به آن عمل «اجبار تکالیف دینی» گفته نمی‌شود. چنان‌که جرمه کردن راننده متخلف توسط مأمور انتظامی به معنای اجبار و تحمیل تکالیف حکومتی بر او نیست. قصد قربت در اعمال عبادی نمی‌تواند مانع از تعلق الزام حکومتی به آن اعمال شود. اساساً لزوم قصد قربت به دلیل وجود امر الهی است. قصد قربت به حکم عقل و شرع مسبوق به امر است. عقل فطری حکم می‌کند که باید هر عمل عبادی به قصد تقرب و نزدیک شدن به خداوند انجام شود. عملی که خالص نباشد، انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند، زیرا از سویی برای خدا انجام می‌شود و از سوی دیگر قصد غیر خداوند را کرده است. علاوه بر عقل، شرع مقدس نیز ما را امر به اخلاص در دین کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُمُرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...». «همه ما از جانب خداوند سبحان امر به عبادت خالصانه شده‌ایم و هرگز نباید قصدی برخلاف امر الهی داشته باشیم (۳)». پس قصد قربت ما در اعمال عبادی مترتب بر امر عقلی و نقلی است و با این وجود هیچ خللی در این قصد پیش نمی‌آید، آنگاه چگونه است که اگر حکومت دینی افراد جامعه را به احکام الهی الزام نماید، در قصد قربت ما خللی پیش می‌آید. همان اخلاصی که از بندگان خدا خواسته شده از حکومت دینی نیز انتظار می‌رود. آنچه برای

خداوند است دین خالص می‌باشد «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...» (۳). بر این اساس، حکومت دینی حتی می‌تواند از ابزارهای خاص خود برای پیشبرد امور عبادی استفاده نماید. این ابزارها نباید به گونه‌ای باشند که باعث وهن دین شوند، اما اگر کسانی درصدد خلل در انجام عبادات مردم شوند، حکومت دینی می‌تواند به مسأله ورود نماید. بنابراین در اینجا الزام حکومت اسلامی منافاتی با دعوت به عبادات و دوری از امور بازدارنده عبادات تلقی نمی‌شود. به همین دلیل است که در قرآن کریم، هر امتی با امامش خوانده می‌شود: «یوم ندعو كلُّ اناس بامامهم» (۳). یعنی اعمال و عبادات ما، حتی اعمال عادی، خارج از ولایت امام و رهبر عادل مقبول درگاه خداوندی نیست. در همین راستا از امام صادق (ع) روایت شده که ضمن حدیثی فرموده‌اند: «زمین از امامی که حلال خدا را حرام و خدا را حرام شمارد، رها نمی‌شود و معنای سخن خدا همین است. آنگاه امام به این گفته رسول خدا اشاره فرمود که «من مات بغير امام مات میتة جاهلیة». «هرکس بدون امام بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است» (۱۵). به عبارتی دیگر، رسیدن به سعادت و انجام اموری عبادی با ولایت امام و حاکمی مؤمن قابل حصول است. مؤید این دیدگاه، روایتی از امام رضا (ع) است که می‌فرمایند: «امامت زمام دین، نظام مسلمانان، صلاح دنیا و مایه عزت مؤمنان است. امامت ریشه روینده اسلام و شاخه بالارونده آن است. با اما نماز و زکات و روزه و حج و فراهم آمدن غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و پاسداری از مرزها و حدود کشور ممکن می‌گردد (۱۶). بر مبنای همین گستردگی تام ولایت است که سیره و گفتار رسول خدا و امام معصومین (ع) دلالت بر الزام مسلمانان به انجام تکالیف شرعی دارد. آنان از همین موضوع ولایی و حکومتی، دیگران را به انجام تکالیف شرعی الزام کرده‌اند.

الزام حکومتی و عبادات

اسلام دین رافت و مهربانی است و در این دین هیچ‌کس را به اجبار دعوت به رستگاری نمی‌نمایند «لا إكراه فی الدین» (بقره ۲۵۶)، اما این رویه برای کسانی که خود را مسلمان

می‌دانند، اما به امور عبادی آن پایبند نیستند، پذیرفتنی نیست. بنابراین کسانی که به امور عبادی اسلامی بی‌توجه هستند، مورد سرزنش اولیای الهی واقع می‌شوند. در همین زمینه از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که در زمان پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم، عده‌ای از مردم مدینه در نماز خواندن سستی به خرج می‌دادند که پیامبر اکرم (ص) در واکنش به این موضوع، فرمودند: نزدیک است که فرمان دهم تا بر در خانه کسانی که از نماز خواندن در مسجد خودداری می‌کنند هیزم بریزند و آن را آتش زنند و خانه‌هایشان را بسوزانند (۱۰). بنابراین تاریخ صدر اسلام حاکی از آن است که انجام امور عبادی مسلمانان امری مهم و شایسته است که بی‌توجهی و یا سست گرفتن آنان نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. در همین زمینه روایت تاریخی به ما نشان می‌دهد که امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری همین نکته را از امام علی (ع) نقل می‌فرمایند: به امیرالمومنین (ع) خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی‌شوند آن حضرت برای مردم سخنرانی کرده و در ضمن آن فرمودند: گروهی برای نماز خواندن با ما در مساجد حاضر نمی‌شوند، این مردم حق ندارند با ما بخورند و بیاشامند و مشورت کنند و با ما ازدواج نمایند و نیز حق ندارند از بیت‌المال مسلمین استفاده کنند مگر اینکه در نماز جماعت حاضر شوند. نزدیک است، اگر آنها از کار خود دست برندارند فرمان دهم خانه‌های آنان را با آتش بسوزانند. آن‌گاه امام صادق (ع) فرمود: مسلمانان از خوردن و ازدواج با آنان خودداری نمودند تا اینکه آنان در نماز جماعت مسلمین حاضر شدند (۹). بنابراین روایات فوق نشان می‌دهد که بهره‌مندی مردم از بیت‌المال اسلام ارتباط نزدیکی با انجام عبادات دارد که خود به معنای سهیم شدن در مسائل و موضوعات جامعه اسلامی در هر شرایط و زمانی است.

رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود هرکس همسایه مسجد باشد و سه روز متوالی به جماعت حاضر نشود، پس لعنت خدا و جمیع فرشتگان و آدمیان «لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ». «بر او باد و اگر از زنی خواستگاری کرد با وی نکاح نکنید و اگر بیمار باشد از او دیدار نکنید و اگر جنازه او را تشییع کردند همراهی نکنید. آگاه باشید که او را نماز

آن عبادات باعث ترویج فساد و اشاعه منکرات باشد حاکمیت باید برخورد جدی‌تری داشته باشد یعنی بعد از آگاهی و تبلیغ و ارشاد اگر شخص توجیه نشده باشد وارد مرحله بعدی شود یعنی اگر نیاز به مجازات و تنبیه و توبیخ باشد انجام بدهد. عباداتی که ترک آنها مخل به اصل نظام باشد یعنی پایه‌های حکومت اسلامی تضعیف کند. مانند کسانی که در جنگ با پیامبر شرکت کردند مسلمانانی که در جبهه پیامبر بودند در میانه جنگ اظهار ناتوانی، ذلت و خواری می‌کردند و باعث تضعیف روحیه مسلمانان می‌شدند، منادی ندا داد، اگر اینان ایمان بیاورند و توبه کنند توبه آنها پذیرفته نیست چون اساس حاکمیت را زیر سؤال می‌برند در این موارد مجازات اشد باید اعمال شود و توبه قابل قبول نیست.

نیست، آگاه باشید که او را روزه نیست، آگاه باشید که او را جهاد نیست و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است» (۱۷). امام باقر علیه‌السلام از علی (ع) نقل می‌فرماید که حضرتش فرمود: هر که صدای اذان جماعت را بشنود و بدون هیچ عذری اجابت نکند نماز ندارد «نمازش مقبول نیست» (۹). با توجه به اینکه برپایی و اقامه نماز از اصول دین به شمار می‌رود، ترک آشکار آن توسط مردم می‌تواند با اعمال حکومت مواجه شود و می‌تواند از ابزارهای خود برای ترغیب مردم به برپایی آن اقدام نماید. ضمن اینکه ترک افعال مفسدهای که خطراتی برای جامعه اسلامی دارند، مشمول همین قاعده هستند.

نتیجه‌گیری

هدف از تشکیل حکومت، تنها برقراری (نظم و امنیت)، (تأمین نان و مسکن) یا (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان) نیست. این مسأله در صدر اسلام و سیره معصومین (ع) نمایان است که وظیفه حکومت گامی فراتر از زندگی عادی شهروندان است. بر همین مبنا، دولت اسلامی دو وظیفه رسالت مهم نیز بر عهده دارد که آن را از دولت‌های دیگر متمایز می‌کند؛ نخستین وظیفه (رشد و تعالی معنوی و اخلاقی شهروندان) و وظیفه بعدی (تحقق احکام اسلامی) است در نگاه این مکتب، انسان برای رسیدن به کمال آفریده شده و همه چیز برای حرکت او به سوی کمال و سعادت فراهم گشته است. حکومت نیز فرصت و ابزاری برای رساندن انسان به کمال است. دولت به دلیل قدرت، اختیار و امکاناتی که دارد، در این زمینه دارای مسؤولیت است، زیرا بدون حضور فعالی حکومت، امور اجتماع سامان نمی‌یابد و کمال آدمی در پرتو زندگی جمعی تحقق‌یافتنی است حاصل نمی‌شود. بنابراین دولت در مورد مسلمانان غیر عامل به منظور فراهم‌سازی بستر رشد و کمال جامعه اسلامی باید مداخله کند. عباداتی که مسلمانان آنها را ترک می‌کنند و التفاتی به انجام آن عبادات ندارند چنانچه این ترک عبادت مخل به نظام و ترویج فساد و اشاعه منکرات نباشد وظیفه حاکمیت فقط آگاهی دادن، تبلیغ و ارشاد و بسترسازی مناسب برای انجام این امور می‌باشد، ولی اگر چنانچه ترک عبادات و انجام ندادن

References

1. Dehkhoda. A. A. Dictionary. Tehran: Publisher University of Tehran; 1998. p. 113. [Arabia]
2. Ebn Manzoor. A. Lisan Alarab. Beirut: Publisher Darolfekr; 1994. p. 91. [Arabia]
3. Holly Quran. Fater 35. Zariat 56. Nah 36. Yasin 60. Zokhraf 64. Beine 5. Yousef 40. Momenon 23. Ankaboot 56. Haj 41. Baghareh 129. [Arabia]
4. Motahari. M. Philosphy of Worships. Journal Tamashagah Raz. 2012: 1 (2). pp. 8-10. [Persian]
5. Tabatabaei. M.H. Almizan. Trans by: Mousavi Hamadani. M.B. Publisher Islamieh; 1997. p. 579. [Arabia]
6. Motahari. M. Notes. Tehran: Publisher Sadra; 2011. p. 260. [Persian]
7. Qarzavi. Y. Worship in Islam. Publisher Kharaghani. M. Tehran: Publisher Ehsas; 2000. p. 30. [Arabia]
8. Emam Ali (A). Nahj Albalagheh. Corrected by: Shahidi. J. Publisher Mashhour; 2000. 67-34. [Arabia]
9. Hore Ameli. M.H. Vael Alshihe. Beirut: Publisher Daralehya Alteras Alarabie; 1992. p. 419. [Arabia]
10. Toosi. M.H. Tahzib Alahkam. Tehran: Publisher Darakotob AIEslamieh; 1993. [Arabia]
11. Masoudi. A. H. Moravej Alzahb. Trans by: Payandeh. A. Tehran: Publisher Elmi and Farhangi; 1991. p. 396. [Arabia]
12. Toosi. M.H. Alhadi in Way Ershad. Tehran: Publisher Chehelsoton; 1996. p. 428. [Arabia]
13. Helli. H.Y. Tazkoratal jurisprudence. Qom: Publisher Alalbeyt; 1994. p. 215. [Arabia]
14. Hore Ameli. M.H. Vesael Alshieh. Qom: Publisher Alalbeit; 1989. p. 24. [Arabia]
15. Ayashi. M. M. Interpretation Ayashi. Corrected by: Mahalati. H. Tehran: Publisher Maktab Alelmieh Islamieh; 2001. p. 326. [Arabia]
16. Kolini. M.Y. Kafi. Trans by: Ghaffari. A.A. Akhondi. M. Publisher Daraketab Islamieh; 1987. p. 200. [Arabia]
17. Shaeiri. T.M. Jamealakhbar. Najaf. Publisher Heidarieh; 1983. p. 79. [Arabia]